

# کتاب دانیال — شماره هشتاد و یکم

افشای تجدیدنظرطلبی تاریخی در ادونتیسیم لائودیکیه‌ای: بررسی مناقشه دربارهٔ «قربانی دائمی»

Jeff Pippenger

2024-02-14

ترجمه بر پایهٔ علت و معلول، اگر معلول را به نادرستی تعریف کنید، بی‌ارزش است؛ چنان‌که مورخان ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، که دربارهٔ اوضاع و احوال و شخصیت‌های مرتبط با کنفرانس عمومی ۱۸۸۸ در مینیآپولیس با لحن خطابه‌وار اظهار نظر می‌کنند، چنین کرده‌اند. تفسیر الهام‌شده این واقعه را تکرار شورش قورح، داتان و ابیرام معرفی می‌کند؛ شورش که انگیزهٔ آن داوری‌ای بود که ایشان را محکوم می‌ساخت تا چهل سال در بیابان سرگردان بمانند تا بمیرند. همان داوری بر ادونتیسیم لائودیکیه‌ای نیز اعلام شده بود.

بغاوت میں خفیہ مشورے شامل تھے، جہاں باغی لاؤدیقیہ کی ایسی انتہائی اندھی پن میں مبتلا تھے کہ وہ یہ سمجھنے سے قاصر رہے کہ خدا ان کی بند دروازوں کے پیچھے کی منصوبہ بندی اور بغاوت سے باخبر ہے۔ جس طرح قورح، داتن اور ابیرام اپنے خیموں میں چھپ گئے تھے اور اپنے منصوبے بناتے اور موسیٰ کے خلاف اپنی بغاوت پھیلاتے تھے، اسی طرح 1888 کے قدیم مرد بھی اپنے گھروں کے بند دروازوں کے پیچھے چھپ گئے، تاکہ سسٹر وائٹ، ان کے بیٹے، اور برگزیدہ قاصدوں کے خلاف سازش کریں۔ اس مقام سے سسٹر وائٹ، جونز، اور ویگنر کو نشانہ بنایا جاتا تھا۔

چهار نسل ادونتیسیم به تدریج در طغیان خود رشد کردند، چنان‌که در فصل هشتم حزقیال به تصویر کشیده شده است. حجره‌های تصاویر در معبد ظاهری و معبد انسانی از تخیلات شیرانه ریشه‌دار شده بود، و روح‌گرایی بر مشایخ کهن که برای محافظت از قوم منصوب شده بودند، مستقر گردید. تا پیش از ۱۸۸۸، آن مشایخ کهن هم بر اقتدار کتاب مقدس و سپس بر روح نبوت انگ تهمت زدند، و در ۱۸۸۴، رؤیاهای علنی متوقف شد. روح‌گرایی وحدت وجودی کلگ در تاریخ پیش از ۱۸۸۸ آغاز به راه یافتن کرد، و ۱۸۸۸ نشانگر ظهور نسل دوم است. ممکن است مورخان ادونتیسیم شهادت واقعی تاریخی آن طغیانی را که در آن جلسه ظاهر شد ثبت نکرده باشند، اما مطابق الهام، نگهبانان آسمانی «هر کلمه را شنیدند و ثبت کردند» و «آن سخنان را در کتاب‌های آسمان» نوشتند.

شورش نمادپردازی شده در «حجره‌های پنهان تصاویر» در کتاب حزقیال، حمله‌ای بر ضد بنیان‌های راستین بود. این شورش، حمله‌ای علیه نبیه و پیام‌آوران برگزیده را نیز نمایندگی می‌کرد و نشانگر ظهور روح‌گرایی بود. در آن نسل، حمله عمده بعدی قرار بود به وسیله شیطان بر ضد خود بنیاد بنیان‌های ویلیام میلر انجام گیرد.

میلر چارچوب تمامی تطبیق‌های نبوی خود را بر این فهم بنا نهاد که دو قدرت ویرانگر در دانیال باب هشتم، آیه سیزده، نمایانگر بت‌پرستی و سپس پاپ‌گرایی بودند. در سال ۱۹۰۱، لوئیس کنرادی، یکی از رهبران ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در آلمان، بار دیگر دیدگاه پروتستانی سقوط کرده را مطرح ساخت که بر اساس آن، «قربانی دائمی» در کتاب دانیال نمایانگر خدمت مسیح در مقدس آسمانی است.

در دوره تاریخی پس از اجلاس مینیآپولیس ۱۸۸۸، روح‌گرایی رهبر کار بهداشت شدت یافت، و بیگانگی میان رهبران همچنان ادامه یافت، زیرا پیامدهای رد شدن پیام جونز و واکنر همچنان اثرات ویرانگر خود را بر جای می‌گذاشت. در آغاز قرن جدید، و. و. پرسکات، یکی از رهبران ادونتیسیم لائودیکیه‌ای که از مدارس پروتستانیسم مرتد صلاحیت‌های الهیاتی دریافت کرده بود، آن ردای شیطانی را بر دوش

گرفت تا دیدگاه کنرادی درباره «قربانی دائمی» را ترویج کند، و چنان که همیشه چنین است، «پیروزمندان تاریخ را می‌نویسند.»

فرشتگان مقدس تاریخ حقیقی را ثبت کردند، اما ادونتیسیم لائودیکیه‌ای موضعی تاریخی در مناقشه پیرامون رد برداشت میلری از «مداوم» پدید آورد که هر یک از «بی‌تعلیمان» در ادونتیسیم لائودیکیه‌ای را بر آن می‌دارد که باور کنند تعریفی از «مداوم» که خواهر وایت آن را برخاسته از «فرشتگانی که از آسمان رانده شدند» معرفی کرده بود، در واقع آموزه‌ای درست است. در خلال سال‌های آغازین قرن بیستم، دبلیو. دبلیو. پرسکات پیشگام انتشار نشریه‌ای با عنوان The Protestant شد. تمام مبنای آن نشریه این بود که تعلیم دهد برداشت میلر از «مداوم» نادرست بوده است و اینکه پروتستان‌تیسیم مرتد، جایی که او صلاحیت‌های الهیاتی خود را از آنجا به دست آورده بود، در این انتساب نماد شیطانی به مسیح بر حق بوده است. در آن تاریخ، ای. جی. دانیلز (رئیس کنفرانس عمومی)، با پرسکات در آن حمله شیطانی علیه حقیقت همپیمان شد، با وجود این واقعیت که خواهر وایت مستقیماً دیدگاه میلر درباره «مداوم» را به عنوان دیدگاهی درست تأیید کرده بود.

"خداوند به من نشان داد که نمودار ۱۸۴۳ به هدایت دست او تنظیم شده بود، و اینکه هیچ بخشی از آن نباید تغییر داده شود؛ و اینکه ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست. و اینکه دست او بر آن بود و اشتباهی را در برخی از ارقام پنهان کرده بود، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند، تا زمانی که دست او برداشته شد."

«سپس در رابطه با «Daily» دیدم که واژه «sacrifice» به وسیله حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند فهم درست آن را به کسانی عطا کرد که ندای ساعت دآوری را اعلام کردند. هنگامی که اتحاد برقرار بود، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه بر فهم درست «Daily» متحد بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به این سو، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده است، و تاریکی و سردرگمی در پی آمده است.» Review and Herald, November 1, 1850.

در زمان حمله پرسکات و دانیلز بر حقیقت «قربانی دائمی»، پرسکات و دانیلز در این موضوع نماینده دیدگاهی اقلیتی بودند، و اندرز خواهر وایت در خلال آن مناقشه خطاب به آن دو مرد این بود که خاموش بمانند، هرچند او این را با عباراتی دیپلماتیک‌تر بیان کرد، مانند «حکمت شما در سکوت است». هنگامی که او آنان را به سبب دیدگاه نادرستشان توبیخ کرد، همچنین تأکید نمود که موضوع «قربانی دائمی» نباید به مسئله آزمون تبدیل شود. تجدیدنظرطلبان تاریخی، که تجدیدنظرطلبی روشی تاریخی است که آغاز آن را به فرقه یسوعی کلیسای کاتولیک نسبت می‌دهند، از اظهارات او مبنی بر اینکه «قربانی دائمی» نباید به مسئله آزمون تبدیل شود، استفاده کرده‌اند تا از ارزیابی صادقانه این آموزه جلوگیری کنند. آنان اظهارات او را به نادرستی بازنمایی می‌کنند، زیرا همواره این نکته را حذف می‌کنند که هنگامی که او از برانگیختن موضوع «قربانی دائمی» نهی می‌کرد، همواره سخنان خود را با قیدهایی مانند «در این زمان» یا «در شرایط کنونی» مقید می‌ساخت.

به عنوان یک نبی، او می‌کوشید جدالی فزاینده را که در آستانه ایجاد انشقاقی عظیم در کلیسای جهانی بود، مهار کند؛ جدالی که از سوی اقلیتی از اشخاص برانگیخته می‌شد که می‌پنداشتند چون رهبرند، این اختیار را دارند که هر آنچه را خود حقیقت تشخیص می‌دهند ترویج کنند. و خداوند، از طریق نفوذ او، آن عمل شیطانی را مهار کرد تا زمانی که او درگذشت. سپس در سال ۱۹۳۱، تلاش تازه‌ای برای رد حقیقت «دائمی» صورت گرفت، و سرانجام نیز به انجام رسید. امروز، فهم درست تعریف «دائمی» در ادونتیسیم لائودیکیه‌ای دیدگاه اقلیت است، و در شرایط کنونی، «دائمی» اکنون به یقین یک مسئله آزمایشی است.

هرگاه نظر اکثریت دربردارنده فهم درست بود، آن آزمون محسوب نمی‌شد؛ اما هنگامی که هر حقیقتی به عنوان خطا تعریف شود، آنگاه آزمون است. زمانی که مجموعه دست‌نوشته‌هایی که با عنوان Manuscript Releases نام‌گذاری شده است، در دهه ۱۹۸۰، یا حدود آن، منتشر شد، در آن هنگام مقاله‌ای شناسایی گردید که در مخالفت مستقیم خود با دیدگاه پرسکات و دانیلز درباره «قربانی دائمی»، به همان اندازه صریح است که تأیید او از دیدگاه میلر.

«در این مرحله از تجربه ما، نباید ذهن‌های ما از نوری ویژه‌ای که [به ما] داده شد تا در گردهمایی مهم کنفرانس خود مورد توجه قرار گیرد، منحرف شود. و برادر دانیلز آنجا بود، که دشمن بر ذهن او کار می‌کرد؛ و بر ذهن شما و ذهن ایلدر پرسکات نیز فرشتگانی که از آسمان رانده شدند، کار می‌کردند. کار شیطان این بود که ذهن‌های شما را منحرف سازد تا نکات ریز و جزئیاتی مطرح شود که خداوند شما را برانگیخته نساخته بود که آن‌ها را مطرح کنید. آن‌ها اساسی نبودند. اما این برای آرمان حقیقت بسیار اهمیت داشت. و اندیشه‌های ذهن شما، اگر می‌شد شما را به سوی نکات ریز یا جزئیات کشاند، کاری است از تدبیر شیطان. شما گمان می‌کنید که اصلاح چیزهای کوچک در کتاب‌های نوشته‌شده، کاری بزرگ خواهد بود. اما به من سپرده شده است [بگویم]: سکوت، فصاحت است.»

«من باید بگویم: از خرده‌گیری دست بردارید. اگر این مقصود ابلیس فقط می‌توانست به اجرا درآید، آنگاه به نظر شما [چنین می‌آمد که] کار شما از حیث طرح و تصور، شگفت‌انگیزترین به شمار می‌رفت. نقشه دشمن این بود که همه ویژگی‌های به اصطلاح اعتراض‌برانگیز را در جایی گرد آورد که همه طبقات اذهان بر سر آن توافق نداشتند.»

«پس چه خواهد شد؟ همان کاری که شیطان را خشنود می‌سازد، به وقوع خواهد پیوست. تصویری به بیگانگان عرضه خواهد شد، نه از ایمان ما، بلکه دقیقاً آنچه مناسب حال آنان باشد؛ و این، صفات و ویژگی‌های شخصیتی‌ای را پرورش خواهد داد که موجب آشفتگی عظیم گردد و لحظات زرین را، که باید با غیرت به کار گرفته شوند تا آن پیام عظیم در برابر مردم قرار گیرد، به خود مشغول سازد. ارائه‌هایی که درباره هر موضوعی که بر روی آن کار کرده‌ایم مطرح شود، نمی‌تواند همگی با یکدیگر هماهنگ باشد، و نتیجه آن، سردرگم ساختن ذهن‌های ایمانداران و بی‌ایمانان خواهد بود. این دقیقاً همان چیزی است که شیطان نقشه‌اش را کشیده بود تا واقع شود—هر چیزی که بتوان آن را به عنوان اختلافی بزرگ جلوه داد.»

«حزقی‌ایل، باب ۲۸ را بخوانید. اکنون، در اینجا کاری عظیم در میان است که ارواح غریب می‌توانند در آن ایفای نقش کنند. اما خداوند کاری دارد که باید انجام شود تا جان‌های در حال هلاکت را نجات بخشد؛ و آن جایگاه‌هایی را که شیطان، در لباس مبدل، می‌توانست در آنها نفوذ کند و در صفوف ما آشفتگی پدید آورد، به کمال انجام خواهد داد، و همه آن اختلافات کوچک بزرگ‌نمایی شده، آشکار و برجسته خواهند شد.»

«و از همان آغاز به من نشان داده شد که خداوند نه بار این کار را بر دوش مشایخ Daniells و نه Prescott نهاده بود. آیا باید نیرنگ‌های شیطان وارد شود؟ آیا این «Daily» باید چنان امر بزرگی به شمار آید که برای پریشان ساختن اذهان و بازداشتن پیشرفت کار در این مقطع مهم از زمان مطرح گردد؟ نباید چنین شود، هر چه که باشد. این موضوع نباید مطرح گردد، زیرا روحی که بدین‌سان وارد می‌شد، روحی بازدارنده می‌بود، و لوسیفر هر حرکت را زیر نظر دارد. عوامل شیطانی کار خود را آغاز می‌کردند و آشفتگی به صفوف ما راه می‌یافت. شما هیچ دعوتی ندارید که آن اختلاف نظر را که مسئله‌ای آزمونگر نیست جست‌وجو کنید؛ اما سکوت شما خود بلیغ است. این امر با همه وضوح در برابر من قرار دارد. اگر ابلیس می‌توانست کسی از قوم خود ما را در این موضوعات، چنان‌که قصد کرده است، درگیر سازد، آرمان شیطان پیروز می‌شد. اکنون باید کار بی‌درنگ از سر گرفته شود و نه [هیچ] اختلاف نظری اظهار گردد.»

«شیطان آن مردانی را که از میان ما بیرون رفته‌اند برمی‌انگیخت تا با فرشتگان شریر متحد شوند و کار ما را به سبب مسائل بی‌اهمیت به تأخیر اندازند؛ و چه شادی‌ای در اردوی دشمن برپا می‌شد. به یکدیگر نزدیک شوید، نزدیک شوید. بگذارید هر اختلافی به خاک سپرده شود. اکنون کار ما این است که تمامی قوای جسمانی و توان مغزی و عصبی خود را به کار بگیریم تا این اختلافات را از سر راه برداریم و همه با یکدیگر هماهنگ شویم. اگر به شیطان اجازه داده می‌شد که با حکمت عظیم نامقدس خود کمترین دستاویزی بیابد، [او شادمان می‌شد].»

«اکنون، هنگامی که دیدم شما چگونه عمل می‌کنید، ذهنم تمام وضعیت و نیز نتایج آن را دربر گرفت، اگر شما پیش بروید و به طرف‌هایی که ما را ترک کرده‌اند کمترین فرصتی بدهید تا در صفوف ما آشفتگی پدید آورند. بی‌خردی شما دقیقاً همان چیزی می‌بود که شیطان می‌خواهد. اعلان بلند شما تحت الهام روح‌القدس نبود. به من دستور داده شد که به شما بگویم ایرادگیری شما از نوشته‌های مردانی که خدا آنان را هدایت کرده است، از جانب خدا الهام نشده است. و اگر این همان حکمتی است که الدر دانیلز به مردم می‌داد، به هیچ‌وجه به او مقام رسمی ندهید، زیرا او نمی‌تواند از علت به معلول استدلال کند. سکوت شما درباره این موضوع، حکمت شماست. اکنون، هرگونه ایرادگیری از انتشارات مردانی که دیگر زنده نیستند، کاری نیست که خدا به هیچ‌یک از شما سپرده باشد. زیرا اگر این مردان—الدر دانیلز و پرسکات—در کار کردن در شهرها از دستورالعمل‌های داده‌شده پیروی کرده بودند، بسیاری، بسیار بسیاری، به حقیقت متقاعد و هدایت‌شده می‌گشتند؛ مردانی توانا که [اکنون] در موقعیت‌هایی هستند که هرگز بدان‌ها دسترسی نخواهد شد.»

«تمامی جهان باید به منزله یک خانواده بزرگ نگریده شود. و هنگامی که چنین چشمه معرفتی برای بهره‌گرفتن در اختیار دارید، چرا جهان را سالیان متمادی واگذاشته‌اید تا با شهادت‌هایی که از سوی خداوند ما عیسی مسیح عطا شده است، هلاک شود؟ دین راستین به ما می‌آموزد که به هر مرد و زن همچون شخصی بنگریم که می‌توانیم به او نیکی کنیم.

«این مطلب سالیان متمادی به چاپ رسیده است: "ذهنی متعادل"، شهادتی خطاب به الدر اندروز. ذهن را می‌توان پرورش داد تا به نیرویی بدل شود برای دانستن اینکه چه وقت باید سخن گفت و کدام بارها را باید برگرفت و بر دوش کشید، زیرا مسیح آموزگار شماست. و من بسیار برای شما بیمناک شدم [آنگاه که شما را دیدم] که حکمت خود را برمی‌افرازید و راهی را دنبال می‌کنید تا اختلاف رأی پدید آورید. خداوند مردان حکیم می‌طلبد که بدانند هرگاه برای ایشان حکمت است، خاموشی اختیار کنند. اگر بخواهید انسانی کامل باشید، به تقدیس از طریق عیسی مسیح نیاز دارید. اکنون کاری تازه آغاز شده است، و بگذارید حکمت در هر خادم، در هر رئیس [یک] کنفرانس، آشکار گردد. اما در اینجا کاری بود که سال‌ها پیش می‌بایست شما آن را به دست می‌گرفتید؛ جایی که به شما نیاز بود تا برای همین کار صدای خود را بلند کنید. مسیح به تمامی قوم خود رهنمودهای ویژه داد که چه باید بکنند و از چه چیزها نباید بکنند. و زمانی اندک برای ما باقی مانده است تا عدالت خداوند را به انجام رسانیم. شما می‌توانید طریق خداوند را درک کنید. من دیدم که پس از آنکه به ریاست منصوب شدید، مقصود شما این بود که امور را بر وفق تدبیر خود پیش ببرید. شما اندیشیده بودید که کارهای شگفت‌انگیزی انجام خواهید داد، که کاری می‌بود که خدا آن را به دست شما نسپرده بود تا انجام دهید. اکنون کار شما ستم کردن نیست، بلکه این است که هر ضرورت ممکن را برطرف سازید، اگر خداوند شما را برای خدمت پذیرفته است. اما شما از همان آغاز شواهدی نشان داده‌اید که حکمت و داوری تقدیس‌یافته از سوی شما ظاهر نشده است. شما مسائلی را به‌تندی مطرح ساختید که پذیرفته نمی‌شد، مگر آنکه خداوند نور عطا کند.»

ਕਿਜੈਸੇ, ਥੀ ਚਾਹਏ ਜਾਨੀ ਕੀ ਨਹੀਂ ਕਾਰਵਾਝਯਾँ ਭਰੀ ਉਤਾਵਲੀ ਕੀ ਪ੍ਰਕਾਰ ਇਸ ਕਹਿੰ ਗਯਾ ਦਯਿ ਨਰਿਦੇਸ਼ ਮੁਝੇਂ"  
ਉਤਾਵਲੀ ਭੀ ਕਸੀਂ ਔਰ ਏਸੀ ਪ੍ਰਭੂ ਪਰਨ੍ਤੁ ਲੇਨਾ। ਚੁਨ ਅਧ੍ਯਕ੍ਸ਼ ਕਾ ਕੌਨ੍ਫਰੇਂਸ ਲਏ ਕੇ ਵਰ੍ਸ਼ ਔਰ ਏਕ ਆਪਕੋ  
;ਜਾਏ ਲਾਯਾ ਨ ਸਾਮਨੇ ਕੇ ਪ੍ਰਭੂ ਮੇਂ ਪ੍ਰਾਰਥਨਾ ਕੋ ਵਧਿਯ ਇਸ ਕਹਿੰਕੇ ਜਬ, ਹੈਂ ਕਰਤੇ ਨਥਿਦਿਖ ਕੋ ਕਾਰ੍ਯਵਾਹੀ ਭਰੀ  
ਗੰਭੀਰ ਅਤ੍ਯਨ੍ਤ, ਹੈਂ ਠਹਰਤਾ ਪਰ ਅਧ੍ਯਕ੍ਸ਼ ਜੋ, ਕਾਰ੍ਯ ਕਾ ਪ੍ਰਭੂ ਕਹਿੰ ਗਯਾ ਦਯਿ ਸਨ੍ਦੇਸ਼ ਯਹ ਆਪਕੋ ਚੁੱਕਓ ਔਰ  
ਨੈਤਕਿ ਕੋਓਂ ਆਪਕੋ ਕਾ ਕਰਨੇ ਵੈਸਾ, ਉਠੇ ਭੜਕ ਆਪ ਪ੍ਰਕਾਰ ਜਸਿ ਮੇਂ ਵਧਿਯ ਕੇ' ਡੇਲੀ 'ਇਸਲਏ, ਹੈਂ ਉਤ੍ਰਦਾਯਤ੍ਵਿ  
ਏਲ੍ਡਰ ਵਹਾਓਂ ਦੇਗਾ। ਕਰ ਨਰਿਯ ਕਾ ਪ੍ਰਸ਼ਨ ਇਸ ਪ੍ਰਭਾਵ ਆਪਕਾ ਕਨਿਹੀ ਭੀ ਕਾ ਲੇਨੇ ਮਾਨ ਯਹ ਔਰ, ਥਾ ਨ ਅਧਕਿਅਰ  
ਜਨਿਕਾ ਹੈਂ ਪੁਰੁਸ਼ ਅਨ੍ਯ ਕਓਂ ਤਥਾ, ਹੈਂ ਇਰਵਨਿ ਏਲ੍ਡਰ ਵਹਾਓਂ ਔਰ, ਹੈਂ ਉਠਾਏ ਉਤ੍ਰਦਾਯਤ੍ਵਿ ਭਾਰੀ ਜਨਿਹੀਨੇ, ਥੇ ਹਾਸਕੇਲ  
"ਹੈਂ। ਰਹੇ ਕਰ ਵਹਨ ਉਤ੍ਰਦਾਯਤ੍ਵਿ ਭਾਰੀ ਜੋ, ਹੂੰ ਸਕਤੀ ਕਰ ਉਲੇਖ ਮੈਂ

«احترام شما نسبت به مردان سالخورده کجا بود؟ چه اختیاری می‌توانستید اعمال کنید بی‌آنکه  
همه مردان مسئول را برای سنجیدن این موضوع گرد آورید؟ اما اکنون بیا بید این موضوع را  
بررسی کنیم. اکنون باید بار دیگر ملاحظه کنیم که آیا این داوری خداوند است، در برابر کاری که  
مورد غفلت واقع شده است، که غیرت شما را برای پیش بردن کار حتی یک سال دیگر نشان دهد.  
اگر قرار باشد این کار را یک سال دیگر یا یاری کسانی که با شما متحد خواهند شد ادامه دهید، باید  
تغییری در شما و در الیر پرسکات پدید آید. و دل‌های خود را در حضور خدا فروتن سازید. خداوند  
باید در شما نمود تجربه‌ای متفاوت را ببیند، زیرا اگر هرگز مردانی بوده‌اند که در این زمان حاضر  
نیازمند باورایمان باشند، آن دو الیر دانیلز و الیر پرسکات هستند.»

ਉਹ [ਰਾਹੀ ਕਾਰਜ ਦੇ ਕਰਿਪਾ ਦੀ ਪਰਮੇਸੁਰ ਅਤੇ, ਹਨ ਚਾਹੀਦੇ ਜਾਣੇ ਚੁਣੇ ਮਨੁੱਖ ਸੱਤ ਵਾਲੇ ਹਕਿਮਤ]  
ਤਰਕ ਤੱਕ ਪਰਵਾਨਾ ਤੋਂ ਕਾਰਣ ਉਹ ਕਹਿੰਦੇ ਅੰਨ੍ਹੇ ਐਨੇ ਮਨੁੱਖ ਜੋ ਕਹਿੰਦੇ। [ਦੇਣ [ਸਬੂਤ ਦਾ ਪਰਵਿਰਤਨ-ਮੁੜ  
ਇਨ੍ਹਾਂ ਅਤੇ, ਹਨ ਆਏ ਢੇਦੇ ਜ਼ਮਿਨਵਾਰੀਆਂ ਦੀਆਂ ਕੰਮ ਜੋ ਕਰਨ ਅਣਡੱਠਾ ਹੂੰ ਮਨੁੱਖਾਂ ਉਹਨਾਂ ਅਤੇ, ਸਕਣ ਕਰ ਨਾ  
ਉਨ੍ਹਾਂ ਹਨ ਰਹੇ ਢੇਦੇ ਤੱਕ ਸਮੇਂ ਵੱਧ ਤੋਂ ਸਾਲ ਦੇ ਕੰਮ। ਇਹ [ਮਨੁੱਖ ਜੋ] ਕਹਿੰਦੇ ਅਤੇ, [ਹੂੰ ਪ੍ਰਧਾਨਾਂ ਦੇ ਕਾਨਫਰੰਸਾਂ  
ਕਰ ਅਣਡੱਠਾ ਹੀ ਹੂੰ ਕੰਮ ਉਸੇ ਮਨੁੱਖ ਕਹਿੰਦੇ ਨਤੀਜਾ ਉਤਾਵਲਾ ਐਸਾ ਅਤੇ, ਜਾਵੇ ਕੀਤਾ ਅਣਗੋਲਿਆਂ ਹੂੰ  
ਮਨੁੱਖਾਂ ਬਜ਼ੁਰਗ ਅਤੇ—ਕਰਨਾ ਕੰਮ ਵੱਧ ਸਹਿਰਾਂ—ਸੀ ਗਿਆ ਰੱਖਿਆ ਸਾਹਮਣੇ ਦੇ ਉਨ੍ਹਾਂ ਤੋਂ ਵਰਹਿਆਂ ਜੋ ਦੇਣ  
ਅੱਗੇ ਲੋਕਾਂ ਗੱਲਾਂ ਉਹੀ ਸਹੀ, ਜਾਵੇ ਦੌਤਾ ਥੋੜ੍ਹਾ ਹੀ ਬਹੁਤ ਜਾਂ, ਜਾਵੇ ਦੌਤਾ ਨਾ ਧਿਆਨ ਕੋਈ ਲਈ ਸਲਾਹ ਤੋਂ  
ਕਹਿੰਦੇ ਦੌਤਾ ਗਵਾਹੀ ਦੀ ਗੱਲ ਇਸ ਹੀ ਆਪ ਆਪਣੇ ਇਹ ਤਾਂ, ਹਨ ਚਾਹੁੰਦੇ ਦੇਣਾ ਉਹ ਜੋ ਜਾਣ ਕੀਤੀਆਂ ਘੋਸ਼ਤਿ  
"।ਹਨ ਅਸੁਰੱਖਿਅਤ ਮਨੁੱਖ ਉਹ ਵਾਸਤੇ ਜਾਣ ਠਹਰਾਏ ਭਰੋਸੇਯੋਗ ਲਈ ਕੰਮ ਅਦਭੁੱਤ ਅਤੇ ਮਹਾਨ ਐਸੇ

«مسیح مرده نیست. او هرگز روا نخواهد داشت که کار او به این شیوه غریب ادامه یابد. کتاب‌ها  
را به حال خود واگذارید. اگر هر تغییری ضروری باشد، خدا هماهنگی سازگار با آن تغییر را فراهم  
خواهد کرد؛ اما هنگامی که پیامی یا مسئولیت‌های عظیم دربرگرفته به انسان‌ها سپرده شده  
باشد، [خدا] امانت‌داری‌ای را مطالبه می‌کند که به واسطه محبت عمل کند و جان را پاک سازد.  
مشایخ دنیلز و پرسکات هر دو نیاز به بازگشت دوباره دارند. کاری غریب به میان آمده است، و آن  
با کاری که مسیح برای انجام آن به جهان ما آمد هماهنگ نیست؛ و همه آنان که حقیقتاً تبدیل  
شده‌اند، اعمال مسیح را به‌جا خواهند آورد.»

«ما همگی باید به انجام آن کاری بپردازیم که پدر را جلال خواهد داد. ما به نقطه بحران  
رسیده‌ایم—یا باید درست در همین زمان آمادگی، با شخصیت عیسی مسیح هم‌نو و مطابق  
شویم، یا [اصلاً] در پی آن نرویم. الیر دانیلز، [شما نباید] خود را در این آزادی بدانید که صدای خود  
را، چنان‌که در اوضاع مشابه کرده‌اید، از موضع بالا به گوش رسانید. و بدانید که رئیس یک  
کنفرانس، فرمانروا نیست. او در ارتباط و همکاری با مردان حکیمی کار می‌کند که در مقام رؤسا  
قرار دارند و خدا آنان را پذیرفته است. او این آزادی را ندارد که در نوشته‌های کتاب‌های چاپ‌شده،  
که از قلم‌هایی صادر شده‌اند که خدا پذیرفته است، دخالت کند. آنان دیگر نباید مسلط باشند، مگر  
آنکه از این قدرت حاکمانه و سلطه‌جویانه کمتر نشان دهند. بحران فرا رسیده است، زیرا خدا  
بی‌حرمت خواهد شد.»

«خداوند به شهرهای کارنشدہ چگونه می‌نگرد؟ مسیح در آسمان است. اکنون اعتراف آن باید این باشد: "هیچ فرمانروایی شاهانہ‌ای نیست. و اکنون بحران این جهان است. اکنون من قدرت نجات دادن یا ہلاک کردن ہستم. اکنون زمانی است کہ سرنوشت ہمگان در دستان من است. من حیات خود را دادہ‌ام تا جهان را نجات دہم. و «و من، اگر برکشیدہ شوم»، فیض نجات بخشی کہ عطا خواہم کرد ثابت خواہد ساخت کہ ہمہ آنان کہ بہ شباهت الہی شکل دادہ شوند و با من یکی باشند، همان گونه کہ من با قدرت فیض فدیہ بخش خود کار می‌کنم، کار خواہند کرد." ہر کہ خواہد، با برادران خود دست بہ کار شود تا آن کاری را کہ بہ ایشان سپردہ شدہ است انجام دہد، آنگاہ کہ در جایگاہ‌های مسئولیت زیر ہدایت مشورتی کہ خداوند می‌دہد قرار دارند، و با نہایت جدیت بکوشد تا در ہمہنگی کامل با او کار کند؛ با او کہ جهان را چنان محبت نمود کہ حیات خود را بہ عنوان قربانی کامل برای نجات جهان داد. من بہ خادمان خود سخن می‌گویم کہ چون بہ کار در شہرهای ما وارد می‌شوند، بگذارند آرامش و قداستی مقدس ہمراہ خدمت کلام باشد. ما نمی‌توانیم تأثیر شایستہ را بر اذہان مردم بگذاریم اگر ما...»

«از یادداشت روزانہ‌ام نقل می‌کنم. حقیقت، آن گونه کہ در عیسی است—آن را بر زبان آورید، آن را دعا کنید، و ہر کلمہ‌اش را در سادگی آن باور نمایید. اگر لغزش‌ها نزد کسانی آورده شود کہ از ایمان منحرف شدہ‌اند و بہ ارواح گمراہ‌کنندہ گوش سپردہ‌اند، یعنی مردانی کہ نہ چندان پیش با ما در ایمان بودند، چہ سودی خواہید برد؟ آیا بر جانب ابلیس خواہید ایستاد؟ توجہ خود را بہ مزرعہ‌های ناکاشتنہ معطوف دارید. کاری جہانی در پیش روی ماست. دربارہ جان کلاگ بہ من نمودارهایی دادہ شد.»

«شخصیتی بسیار فریبندہ، افکاری را کہ در استدلال‌های ظاہرالصلاحی کہ عرضہ می‌داشت نمایندگی می‌کرد، مطرح می‌نمود؛ احساساتی و دیدگاہ‌هایی متفاوت با حقیقت اصیل کتاب مقدس. و آنان کہ گرسنہ و تشنہ چیزی تازہ بودند، افکاری [چنان فریبندہ] پیش می‌بردند کہ اِلدِر پرسکات در خطر عظیمی قرار داشت. اِلدِر دانیلز نیز در خطر بزرگی بود [کہ] در چنان فریبی گرفتار شود کہ اگر این احساسات در ہمہ‌جا بیان می‌شد، گویی جہانی نو پدید می‌آمد.»

"جی ہاں، ایسا ہوتا، لیکن جبکہ ان کے اذہان اس طرح مشغول تھے، مجھے دکھایا گیا کہ برادر ڈینیلز اور برادر پریسکاٹ اپنی تجربی زندگی میں روحانی [ت پرستی] کی سی نمود رکھنے والے خیالات بن رہے تھے اور ہمارے لوگوں کو ایسے خوش نما جذبات کی طرف کھینچ رہے تھے جو، اگر ممکن ہوتا، تو برگزیدوں ہی کو بھی فریب دے دیتے۔ مجھے اپنے قلم سے یہ حقیقت درج کرنی ہے کہ یہ بھائی اپنے فریب انگیز نظریات میں ایسی خامیوں کو دیکھیں گے جو سچائی کو غیر یقینی حالت میں لا کھڑا کریں گی؛ اور [پھر بھی] وہ [یوں] نمایاں کھڑے ہوں گے گویا [انہیں] بڑی روحانی بصیرت حاصل ہو۔ اب مجھے ان سے کہنا ہے [کہ] جب یہ معاملہ مجھے دکھایا گیا، اس وقت جب بزرگ ڈینیلز 'یومیہ' کے بارے میں اپنے نظریات کی حمایت میں نرسنگے کی مانند اپنی آواز بلند کر رہے تھے، بعد کے نتائج بھی پیش کیے گئے۔ ہمارے لوگ الجھن میں پڑتے جا رہے تھے۔ میں نے اس کا نتیجہ دیکھا، اور پھر مجھے تنبیہات دی گئیں کہ اگر بزرگ ڈینیلز انجام کی پروا کیے بغیر اسی طرح اس تاثر کے تحت آئیں اور اپنے آپ کو اس بات پر ایمان لانے دیں کہ وہ خدا کے الہام کے تحت ہیں، تو ہمارے حلقوں میں ہر جگہ شک پرستی بوئی جائے گی، اور ہم وہاں پہنچ جائیں گے جہاں شیطان اپنے پیغامات پہنچائے گا۔ پختہ ہے ایمانی اور شک پرستی انسانی ذہنوں میں بوئی جائے گی، اور بدی کی عجیب فصلیں سچائی کی جگہ لے لیں گی۔" Manuscript Releases، جلد 20، 17-22۔

تاریخ نسل دوم، تشدید عصیان را نشان می‌دہد. روح‌گرایی‌ای کہ بہ وسیلہٴ حجرہ‌های نقش‌ونگار حزقیال بہ تصویر کشیدہ شدہ است، بیانگر این حقیقت است کہ «برادر دانیلز و برادر پرسکات در تجربہٴ خود احساساتی با جلوہ‌ای روح‌گرایانہ می‌تافتند و قوم ما را بہ سوی احساسات زبیایی می‌کشاند کہ، اگر ممکن بود، حتی برگزیدگان را نیز فریب می‌داد.» روح‌گرایی مرتبط با دیدگاہ باطل

«ذبیحه دائمی»، نماد همان چیزی است که، اگر ممکن بود، حتی برگزیدگان را نیز فریب می‌داد. او روح‌گرایی مربوط به همه‌خدایی را که کلاگ ترویج می‌کرد، با تلاش پرسکات و دانیلز برای تعریف «ذبیحه دائمی» به‌عنوان خدمت مسیح در قدس آسمانی، به یکدیگر پیوند می‌دهد.

او به آنان اطلاع می‌دهد که کتاب‌ها را به حال خود واگذارند؛ و بدین‌وسیله به تلاش پرسکات و دانیلز اشاره می‌کرد که می‌خواستند کتاب اوریا اسمیت، Daniel and the Revelation، را بازنویسی کنند تا تعلیم او را که «دائمی» را همان‌گونه شناسایی می‌کرد که میلر شناسایی کرده بود، حذف نمایند. تجدیدنظرطلبان تاریخی لائودیکیه، که اشعیا آنان را «عالمان» معرفی می‌کند، بر ناآموختگان ادونتیس‌م کاری شگفت‌انگیز به انجام رسانده‌اند؛ زیرا شهادت تاریخ را به‌گونه‌ای تحریف کرده‌اند تا آنان را که گوش‌های خارش‌دار و عادت‌های مطالعه سطحی دارند، به این اندیشه سوق دهند که موضوع «دائمی» بی‌اهمیت است و میلر در این موضوع در اشتباه بوده است. آن کار تجدیدنظر بخشی از همان زباله‌هایی است که به میلر نشان داده شد و قرار بود به‌وسیله مرد جاروی خاک‌روب زدوده شود، در زمانی که ظهور قدرت خدا در فریاد نیمه‌شب تکرار می‌شود.

در مقاله بعدی به ادامه بررسی نسل دوم ادونتیس‌م لائودیکیه‌ای خواهیم پرداخت.

پیام «به پیش برو» هنوز باید شنیده شود و حرمت نهاده شود. اوضاع و احوال گوناگونی که در جهان ما رخ می‌دهد، مستلزم خدمتی است که پاسخ‌گوی این تحولات ویژه باشد. خداوند به مردانی نیاز دارد که از نظر روحانی تیزبین و روشن‌نگر باشند، مردانی که روح‌القدس بر ایشان کار کرده باشد و بی‌گمان منای تازه را از آسمان دریافت کنند. بر ذهن چنین اشخاصی، کلام خدا نور می‌افشاند و برای آنان بیش از هر زمان پیش از این، راه امن را آشکار می‌سازد. روح‌القدس بر ذهن و دل عمل می‌کند. زمان آن فرارسیده است که به‌واسطه رسولان خدا، طومار برای جهان گشوده می‌شود. معلمان در مدارس ما هرگز نباید با این گفته مقید شوند که فقط آنچه را تاکنون تعلیم داده شده است، تعلیم دهند. این محدودیت‌ها را دور افکنید. خدایی هست که پیامی را که قوم او باید بگویند، عطا می‌کند. هیچ خادمی نباید خود را در بند احساس کند یا با معیار سنجش آدمیان اندازه‌گیری شود. انجیل باید مطابق پیام‌هایی که خدا می‌فرستد، به انجام برسد. آنچه خدا امروز به خادمان خود برای گفتن می‌دهد، شاید بیست سال پیش حقیقت حاضر نبوده باشد، اما آن، پیام خدا برای این زمان است.» The 1888 Materials, 133.